

۲۰۵۴۹۵۲

بیا تا گام برداریم

مقدمه کتاب انسان کامل
نوشته عزیز الدیر مسفی در قرن هفتم هجری قمری

مهدی رضوی



انشارات حبیبیان

سرشناسه : رضوی، مهدی، ۱۳۳۹-

Razavi, Mehdi

عنوان و نام پدیدآور : انسان و خدا / مهدی رضوی / بازنویس مهدی رضوی.

مشخصات نشر : تهران : خجسته، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری : ۶۵ص.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۰۹۹-۰-۶

وضعیت فهرست نویسی : فیفا

یادداشت : کتاب حاضر بر اساس مقدمه کتاب انسان و خدا

نوشته «عزیزالدین نسفی قرن هفتم هجری» بازنویسی شده است.

موضوع : انسان (عرفان)

موضوع : Man Mysticism

موضوع : عرفان

Mysticism موضوع :

موضوع : آداب طریقت

Customs of the order موضوع :

شناسه افزوده : نسفی، عزیزالدین بن محمد، قرن ۷ ق. انسان الکامل

رده بندی کنگره : BP۲۸۷/۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۸۳

شماره کتابشناسی ملی : ۵۸۱۷۰۳۹

بیا تا گام برداریم مهدی رضوی

چاپ نخست: پاییز ۱۳۹۸
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

گرافیک: علیرضا مژده
ناظر تولید: میثم باقری
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: تصویر گیلان

تمامی حقوق سادی و معنوی چاپ و نشر این اثر برای
نشریه بسته محفوظ است

نشانی: تهران، خیابان سعدی شمالی، خیابان نادری، پلاک ۲۱
کدپستی: ۱۴۸ ۵۸۶۱۳

تلفن پخش و فروش: ۰۱۲۱ ۸۰۱۶۶
پست الکترونیک: khojastegah5@gmail.com

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۰۹۹-۰۰-۶



- گام نخست: در بیان روش، منش و نگرش (شریعت، طریقت، حقیقت) ۲۵
- گام دوم: انسان کامل چگونه است؟ ۲۸
- گام سوم: چگونه انسان کامل آزاد می‌شود؟ ۴۲
- گام چهارم: انسان کامل چگونه به درک دانش دانایان ۵۰
- گام پنجم: انسان کامل چگونه به سوی (سلوک) ۵۹

مقدمه مولف

عزیز نسفی، پزشک، دانشمند، حکیم و عارف ایرانی، در بستر فرهنگ و تمدن ایران حدود هشتصد سال پیش، تجربه‌های معنوی خود را در کتاب‌هایش برای آیندگان و نرندگان ایران‌زمین به یادگار گذاشته است. او نخست در زادگاه خود آموزش‌های مقدماتی را فرا گرفت و سپس به بخارا که بنیادترین مرکز علمی و فرهنگی شرق ایران اسلامی، پیش از ویرانی به دست مغولان بود و به نسف محل تولد و بزرگسالی بود رفت، و در علوم مختلف به ویژه پزشکی و حکمت و فلسفه، نزد اساتید دانشگاه‌های بخارا آموزش دید. در این حال روح او نیز توسط راهنمایان دانا و عارفان روشن بین بخارا صیقل یافت.

عزیزنسفی پس از آن که امنیت و آرامش محیط فرهنگی شرق و شمال‌شرق ایران و خراسان بزرگ،

در حمله مغول، دستخوش تهاجم، نابودی، غارت و ویرانی قرار گرفت، همچون بسیاری از دانشمندان و بزرگان خطه خراسان بزرگ که از این حمله وحشیانه جان به دربردند؛ به سمت نقاط دیگر ایران زمین که در غرب، جنوب و مرکز کشور قرار گرفته بودند؛ مهاجرت کرد. مسیر حرکت او از بخارا آغاز و در نهایت پس از سالها حضور در نقاط مختلف، از جمله کرمان، شیراز و اصفهان به اربوه فارس خاتمه می یابد.

عزیز در مسیرها- رت، چه در جویین خراسان و چه در کرمان و شیراز و اصفهان و آباءه و ابرکوه، همواره هم خود می آموخت و هم به دیگران آموزش می داد. او در عین حال از سنت و روش های شده اندیشمندان و مردم ایران آن زمان، یعنی نوشتن، بی متأسفانه پس از حمله مغول به فراموشی سپرده شد. پیروی می کرد و بر گنجینه فرهنگ بارور زبان فارسی و تمدن ایران اسلامی افزودن را، چون دیگر اندیشمندان این مرز و بوم، فریضه و رسالت خود می دانست. حاصل تلاش او نوشته هایی روان و اثرگذار در زمینه رهروی و کمال یابی

انسانی است، که از اندیشه‌ورزی و رهبری معنوی او به یادگار باقی مانده است.

در این نوشته‌ها آنچه مهم است این است که عزیزنفسی، داشتن رفتار و کردار و سیرت‌نیک، همراه با تحصیل دانش و علم را هایه کمال یافتن روح و جسم آدمی دانست و همواره به خوانندگان نوشته‌هایش توصیه کرده است.

نفسی، در زمان شاهانه و مهربانانه همراه با تعاون و یاریگری و ادب و استکباری را پاس داشته است. این در زمانه پراشویی که از می‌زیسته بسی ارزشمند است. در عین حال نوشته‌ها و کتاب‌های او هنوز هم سرشار از طراوت و تازگی برای خواننده معاصر است. و به اعتقاد این کمترین در آینده نیز این طراوت باقی خواهد ماند، زیرا انسان بودن هرگز و در هیچ جامعه‌ای کهنه نخواهد شد.

نوشتار حاضر، بازنویسی آزاد مقدمه کتاب انسان کامل او است. لازم است چند نکته در خصوص این نوشته و نوشته‌های بعدی برای آگاهی خواننده محترم کتاب مطرح شود.

یکم:

این کمترین، نه خود را ادیب می‌داند و نه پژوهشگر
متون عرفانی، و صاحب نظر در شناخت کتاب‌های خطی.
من مثل هم‌نسلانم، در زمانه خود زندگی می‌کنم و
می‌اندیشم و بر همین اساس دست به این کار زدم.
این نوع بازنویسی را ضروری می‌دانم، شاید به زبانی
آشنا تر و وزی تر، نسل‌های ایران امروز، قابلیت‌ها و
توانمندی‌های یافته در میراث پیشینیان اندیشمند و
فرهنگ‌ساز حقت در خاک میهن را، بهتر بفهمند، و درک
کنند که پایه‌های این تمدن و فرهنگ را، در روزگار
سخت گذشته چه کسانی بنا گذاشته‌اند؟ و بدانند این
جباران و حاکمان عمدتاً بی‌پروا و جاهل نبوده‌اند که
بنای ایرانی بودن و فرهنگ ایرانی را بنا نهاده‌اند؛ بلکه
مردمانی از جنس دانش و فضیلت، ایران را بر پایه تمدن
بشری صاحب سهم کرده‌اند.

دوم:

واژه‌ها و کلمات جایگزینی که انتخاب کرده‌ام، نیز بر
این مبنا بوده است و به همین خاطر، از سهو و خطا

و معاینی که ممکن است این انتخاب داشته باشد آگاه
هستم و عذرخواه. تلاشم این بوده تا آنجا که ممکن
است بکوشم با انتخاب جمله‌ها و کلماتی که امروزه
رایج است؛ متن را امروزی‌تر کرده باشم.

سوم:

م. کوشم بجمیع رساله‌های کتاب انسان کامل عزیزنسفی
و سایر کتاب‌های نوشته او را به تدریج و بر اساس
آنچه که برای منسلاطی امروز، ضروری می‌دانم انتخاب
کرده و بازنویسی کرده‌ام. یعنی من بر این است که به
جای ارائه کتاب‌های حجیم، خارج از حوصله عموم،
آثار اندیشمندان صاحب‌فکر و فضیلت ایران‌زمین
در عصر طلایی شکوفایی اندیشه پس از اسلام را به
صورت کتاب‌های کم حجم و موضوعات پراکنده ارائه
کنم.

چهارم:

در خصوص آیات شریفه قرآن کریم، هر جا که در متن
کتاب آیه‌ای آمده است؛ برای رعایت اصول از آوردن
عین آیه شریفه خودداری و ترجمه آن با استفاده از متن

ترجمه استاد عبدالمحمد آیتی، چاپ انتشارات سروش
سال ۱۳۷۴، درج گردیده است.

در خصوص روایت نقل شده نیز همین موضوع رعایت
شده است. لیکن در انتهای کتاب جهت آگاهی خواننده
محترم، تعدادی از منابع نقل روایات ارائه گردیده است.
پنجم

این اسانس سیاسگزار خواهم بود نظرات انتقادی
خواننده را دریافت کرده و سپس با جمع‌بندی آن‌ها روش
کار خود را اصلاح نمایم. پس از کتاب حاضر، اگر
بتوانم و روزگار اجازه دهد بقیه رساله‌های کتاب
انسان کامل را بازنویسی و منتشر خواهم کرد و باز هم
اگر بتوانم برای سایر متون اخلاقی و معنوی این کار را
ادامه خواهم داد.

ششم:

در خصوص زندگی و زمانه عزیزنسفی، بیشتر از آنچه
در این مقدمه آمده را ضروری نمی‌دانم، فکری کم
خواننده اگر نیاز داشته باشد خود پیگیر خواهد بود.
خواهش من این است که خواننده محترم، متن حاضر

را جدای از همه عوامل تاریخی، به صورت مستقل مطالعه کند و اگر در آینه وجود خود از آنچه در این متن آمده است؛ لذتی و بهره‌ای برایش ایجاد می‌شود؛ مقصود حاصل است و نتیجه به دست آمده و اگر نه این کمترن همین جا از خواننده محترم حلالیت می‌طلبم و پوزش می‌خواهم.

از دستاورد عریزی که مرا در این کار تشویق کردند؛ سپاسگزاری می‌کنم. عمی است که نشست و برخاست و گفتگو با آنها، زندگی من معنا داده است. پس به شما خواننده محترم هم توصیه می‌کنم جمع دوستان را با نور محبت گرم‌تر کنید تا گذراندن زندگی آسان‌تر و خوش‌تر شود.

السلام